کتابی در نقد آثار: نویسندگان بزرگ غرب

مصدقی، شهل

کتاب«نقد آثار و اندیشه‏های داستان‏نویسان بزرگ غرب»نوشتهء آقای عبد العلی دستغیب که‏ از نویسندگان و نقادان پرتلاش ادبیات معاصر کشورمان می‏باشد روزانه بازار نشر شده است. تألیف کتابی با این عنوان و مشخصات در دوره‏ای که نویسندگان ما اغلب زندگی نامه‏نویسی را کاری کوچک می‏پندراند و در شناساندن چهره‏های ادبی و هنری کوشش قابل توجهی ندارند درخور اهمیت و تقدیر است و امید آن‏که در آینده شاهد حرکتهای جدی‏تری در این راستا از جانب سایر اهل قلم باشیم.

مؤلف در مقدمهء مفصل و نسبتا طولانی خود ابتدا به توضیح و تفسیر آراء،عقاید و آثار نویسندگانی چون:داستایفسکی،ملویل،اونیل،جان‏دوس پاسوس،مارسل پروست و...می‏پردازد و خود اذعان می‏دارد که نویسندگان مطرح و نخبهء غرب تنها به این فهرست محدود نمی‏شود و در جایی اشاره می‏کند که«ما نمی توانیم اهمیت تاریخی رئالیستهای بزرگی مانند:چخوف،کنراد و رولان را انکار کنیم و مختصرا جویس و کافکا را نمایندهء رمان قرن بیستم بدانیم»آقای دستغیب‏ ابتدا به دفاع از موجودیت و حیثیت ادبیات کلاسیک در برابر ادعای مدرنیست‏ها پرداخته و در قسمتی از کتاب خود اشاره می‏کند که:«پیکار و مقاومت و ایدهء کمال یا بندگی انسان را در تالستوی،کنراد و هوگو می‏بینیم و امتیاز هنر بزرگ ایشان را در این عصر پرتلاطم مشاهده می‏کنیم. ازاین‏رو در برابر مبالغه‏های بیشمار مدرنیست‏ها که«رمان مدرن تکامل رمان قرن نوزدهم است.» یا«جویس بزرگترین نویسندهء قرن بیستم است.»سپر نمی‏اندازیم و دربارهء آثار مدرنیسم می‏گوید:

نیازی نیست که نویسنده‏ای پیدا شود و در کتابی پانصد صفحه‏ای،بیش یا کمتر به ما بگوید جهان ما دوزخی و بد است.این را ما خود می‏دانستیم و بیان آن تازگی ندارد.گفته‏اند که گرگ را پوستین‏دوزی بیاموز،دریدن و پاره کردن را او خود نیک بلد است پس نتیجه می‏گیرد که با وجود شخصیت‏هایی مانند:هوگو،داستایفسکی و برشت،نباید آثار پوچی و اسطوره‏گرایانهء مدرنیسم‏ غرب را منحصر آثار ادبی آن سامان دانست.»

کتاب در نگاه اول تنها دو وجهه اشتراک دارد.یکی مرزبندی جغرافیایی و دیگری حرفهء افراد مورد بحث(نویسندگی).اما به تدریج و با مطالعه کامل آن و با ورود به مباحث عمیق،جامع و روان‏شناختی و جامعه‏شناسی با وجود اشتراک دیگر و در نهایت وجوه تمایز آنها آشنا می‏شویم. اگر در خلال معرفی اثر و یا صاحب آن نیاز به دلایل و براهین متقن باشد با استفاده از اثر مورد و محیط حاکم بر آن دوران می‏پردازد که این حاکی از شناخت عمیق و آشنایی مستمر و صرف‏ وقت و زمان نه‏چندان کوتاه مؤلف آن است.از نکات بارز دیگر این اثر انعکاس دیدگاههای‏ زندگی‏نویسان شاخص غرب و شرق برای معرفی و تحلیل آثار است.مثل باختن و ادموند ویلسون و دیگر این‏که مؤلف برای حفظ حرمت خواننده کمتر به درج تاریخ و توضیح‏ واضحات اشاره کرده و بیشتر به نمود روحی نویسندگان منتخب خود پرداخته و با بردن افکار و آثار آنها در قالب‏های قابل قبول فلسفی،به بحث در مورد آراء آنان پرداخته و از مکتبهای فلسفی‏ و نظرات بنیان‏گذاران آن مکاتب نیز برای مقایسه و نتیجه‏گیری،مدد جسته است.